

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱
حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، حزبی که طی چهل و یک سال مبارزه بی‌امان با امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، با استبداد سلطنتی، با کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمین داران برای تأمین استقلال کشور، آزادی و عدالت اجتماعی هزاران قربانی داده و هزاران سال زندان به دوش کشیده، حزبی که با تمام قوا و امکاناتش در انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ / فوریه ۱۹۷۹ / شرکت‌جسته و در حفظ و تحکیم و تعمیق دستاوردهای ضد امپریالیستی و خلقی این انقلاب نقش فعال و موثری داشته است. نخستین بار نیست که با چنین اتهامات امپریالیسم ساخته روبرو گشته است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران از مدتی قبل محتوای توطئه ناجوانمردانه امپریالیسم و ایادی داخلی آنرا، که به اشکال مختلف برای ضربه زدن بر حزب توده ایران چیده شده است، افشا کرده و انگیزه اساسی این توطئه‌ها و جرائم و اتهامات و افتراآت متناسبه را نشان داده است.

رفیق نورالدین کیسانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، از برجسته‌ترین طراحان و سازمان دهندگان

پیکار علیه امپریالیسم و رژیم وابسته شاه معدوم و دشمنان انقلاب ایران و از مدافعین استوار روحانیت و مسلمانان مبارز پیرو خط امام خمینی، در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به مقامات جمهوری اسلامی ایران در تاریخ بیست و هشتم اردیبهشت ۱۳۶۱ / ۱۸ ماه مه ۱۹۸۲ می‌نویسد:

"جرم ما این است، که از دیر زمان راه انقلاب را بد رستی تشخیص دادیم، جرم ما این است، که دوستان و دشمنان انقلاب ایران را چه در درون میهن و چه در صحنه جهانی بد رستی شناختیم و با روشنی و پیگیری بر مواضعی که به آن صادقانه معتقدیم، ایستادیم."

یادآوری این واقعیت بسیار بجاست، که تاریخ چهل ساله و اندک ایران نشان داده است که بلا استثنا هر هجوم گسترده امپریالیسم بر منافع و مصالح ملت ایران، استقلال و آزادی و دیکراسی کشور یا حمله سرتاسری آن علیه حزب توده ایران، آغاز شده است.

همانطور که بارها حزب توده ایران هشدار داده است، بار دیگر هشدار می‌دهد، که توطئه اخیر آغاز توطئه سه‌گانه و عظیمی است که علیه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران در

مراحل تعیین کننده و حساس آن انجام می‌پذیرد و هدفش سرکوب انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران است. این درسی است که انقلابات نافرجام در سراسر جهان، به همه پیروندگان راه استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی می‌آموزد که حمله به احزاب کمونیست و کارگری همیشه سرآغاز مسخ و شکست انقلابات بوده است.

حزب توده ایران با کارنامه روشن مبارزات استقلال طلبانه و آزادی خواهانه خود، به موجب حق صریحی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای فعالیت‌های سیاسی قائل است و به موجب وعددهای روشن مسئولان جمهوری اسلامی ایران، به ویژه رهبر انقلاب، امام خمینی گم: " همه احزاب و گروهها تا وقتی با کشور اسلامی جنگ ندارند، در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکردند، بطور آزادانه عمل کنند و بطور آزادانه حرفهایشان را می‌زنند." محق است، که فعالیت آزاد، قانونی و وطنی داشته باشد و همراهی خواهد که به تئیسفات علیه حزب توده ایران و بازداشت غیرقانونی رهبران و اعضا حزب پایبندان داده شود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۸ بهمن ماه ۱۳۶۱

سرنوشت انقلاب در گرو نظام اجتماعی - اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

بقیه از صفحه ۱
بنیادی دیگری در زمینه‌های زیر در دستور انقلاب قرار میگیرد:

۱- تحول اجتماعی - سیاسی از راه دگرگونی در اداره کشور و دستگاهها و نهاد های دولتی بر پایه اصول دموکراتیک و ایجاد امکان همه جانبه برای فعالیت سازمان های انقلابی و مترقی مدافع انقلاب؛

۲- تحول اجتماعی - اقتصادی از راه دگرگونی بنیادی در زیر بنای اقتصادی به منظور تأمین عدالت اقتصادی و اجتماعی (تعیین راه رشد)؛

۳- تحول اقتصادی - فنی از راه دگرگونی در شرایط مادی - فنی رشد به منظور تأمین و پیشرفت اقتصادی و پایان دادن به وابستگی (تعیین الگوی رشد)؛

۴- تحول فرهنگی از راه تغییر بنیادی در رو بنای فرهنگی و معنوی جامعه و تأمین پیشرفت همه جانبه دانش علمی و فنی.

طبیعی است حل مثبت و رادیکال این چهار گروه مسائل بنیادی با مقاومت شدید و روزافزون نیروهای ارتجاعی و استثمارگر داخلی در همکای تنگتنگ با نیروهای ارتجاعی منطقه و امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا روبرو میگردد.

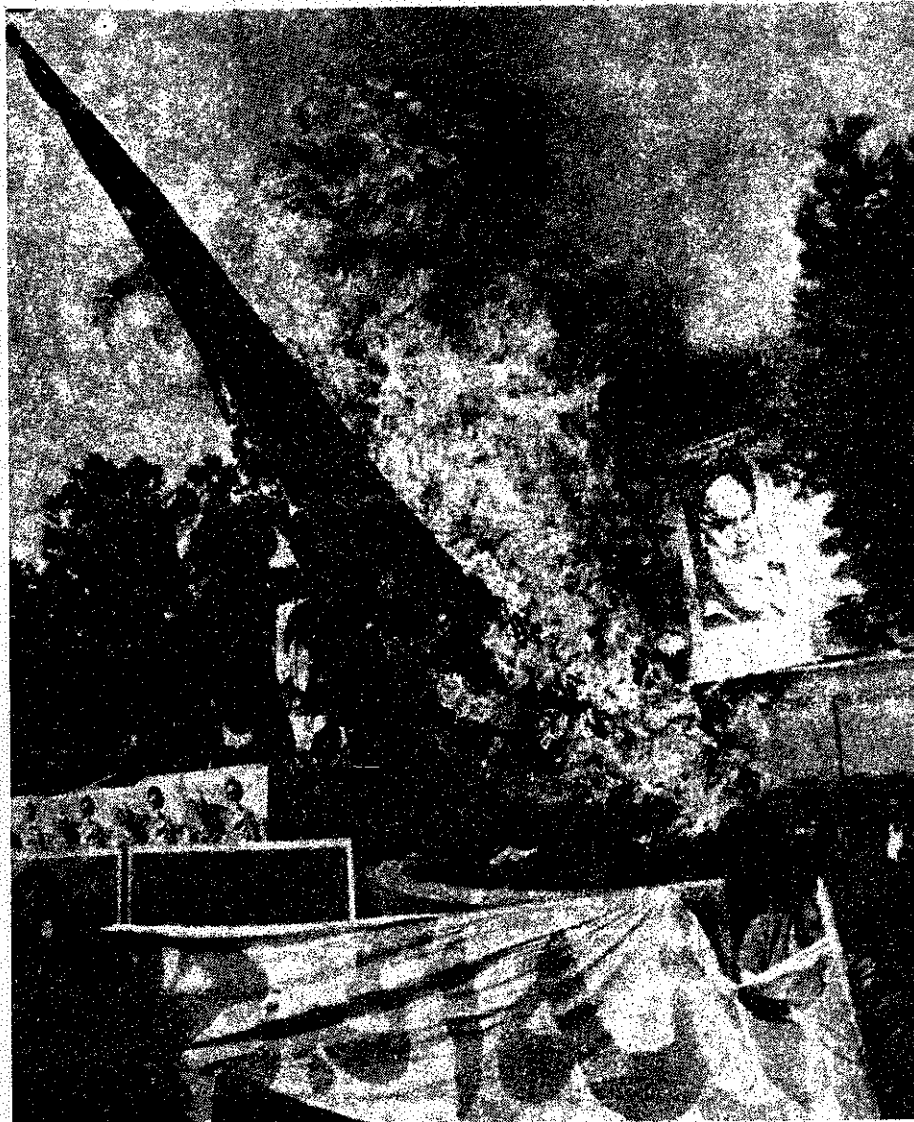
توطئه چینی ها و فتنه انگیزی های داخلی و خارجی موجود در ایران، از خرابکاری در کارخانه و مزرعه گرفته تا سنگ اندازی در برابر قانونیست، از گرانفروشی و احتکار تاجر داخلی گرفته تا تحریم اقتصادی امپریالیسم، از تدارک کودتای شبه کودتای مزدوران داخلی گرفته تا جنگ تحمیلی از خارج، تروریسم جهانی از سوی گروهها و گروهکهای بازی خورده و خود فروخته تا تروریسم عقیدتی و معنوی از جانب قشریستون انحصار طلب - همه و همه رشته‌های به هم بافته دسیسه ها و دام‌هایی هستند که ارتجاع داخلی و امپریالیسم خارجی در برابر تداوم انقلاب ایران گسترده‌ترند.

بزرگ کشیدن شاه از تخت و بیرون راندن امپریالیسم از در، تا زمانی که حل بنیادی مسائل اجتماعی - اقتصادی، مادی - فنی، اجتماعی - سیاسی و فرهنگی - معنوی را در پی نداشته باشد، برای ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی، اگر تحمل ناپذیر هم باشد، امیدوارکننده است؛ زیرا بدون حل پیگیر و قاطع این چهار گسره

مسائل بنیادی، شرایط عینی و زمینه‌های ذهنی برای بازگشت استبداد و نواستعمار، ولسودر لپاسی دیگر و چهره‌های دیگر، همچنان باقی خواهد ماند.

اگر جامعه انقلابی ایران به این تحولات دست نیازد، صرف نظر از نیت خوش و ناخوش گردانندگان، این جامعه از لحاظ سرشتی جامعه‌ای طبقاتی و عقب مانده باقی خواهد ماند، با تمام بی‌آمدهای آن: احیاء مجدد استبداد، تحکیم دوباره، زنجیر سنت شسته و وابستگی اقتصادی، پیوند تازه، رشته‌های گسسته و وابستگی سیاسی - نظامی، اوج گرفتن نابرابری های اجتماعی و اقتصادی، اسارت تازه، فرهنگی و معنوی و بزبان ساده مسخ و شکست انقلاب، بطوریکه هم اکنون شاهدیم، هر قدر تحقق اصلی بنیادین پیش‌بینی شده در قانون اساسی بیشتر در دستور روز قرار میگیرد، هر قدر طرح مسائل از حد کلی باقی به حل مشخص آن نزد یکتا تر میشود، رویارویی مدافعان منافع متفاوت و متضاد طبقات و قشرها و گروههای اجتماعی شدت و حدت بیشتر پیدا میکند و مرزهای میان صغوف نیروهای راستین انقلاب و نیروهای متظاهر به آن روشن تر میگردد. حزب توده ایران بچاپه يك سازمان سیاسی واقعا انقلابی، علمی رزم تمام اتهامات و افتراها و تحریفها و دشنام‌های دشمنان دانا و دوستان نادان، که زیان نشان شد کمتر از دشمنان دانا نباشد، در راه تحقق اصول بنیادین و اصل قانون اساسی، دوش بپوشد سایر نیروهای واقعا انقلابی، از هر مکتب و مسلکی که باشند، به مبارزه خود همچنان ادامه خواهد داد.

یک سال دیگر نبرد با ضد انقلاب



انقلاب شکوهمند مردم ایران در اوج نبرد. پس از پیروزی خویش را جشن می گیرد و پایه پنجمین سال رزم دشوار برای تثبیت و تحکیم می گذارد. در آغاز چهارمین سال انقلاب، برهمه نیروهای راستین مدافع انقلاب روشن بود که: " راهی که برای تحقق همه جانبه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، و به سخن دیگر تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب بزرگ ضد استبداد، ضد امپریالیستی و مردمی ایران در برابر مافزار داد، همچنان راهی است دشوار بخرننج و طولانی." (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب) اکنون، در شروع پنجمین سال انقلاب، راه همچنان دشوار و طولانی و حتی بغرنج تر است. انقلاب ایران در حالیکه در چهارمین سال پیروزی خود، نبرد های خونین و کمرشکنی پشت سر گذاشته است، با قاطعی خون چکان وارد سال سرنوشتی خویش می شود.

در این نبرد سرنوشتی، تجربه خونین چهارمین سال انقلاب، اگر بکار بسته نشود، پیروزی نیروهای انقلابی بر ضد انقلاب بسی دشوار خواهد شد.

تشدید توطئه های خطرناک آمریکا علیه ایران انقلابی

در همان آغاز سال چهارم انقلاب، شیطان بزرگ آمریکا بار دیگر چهره پلیدش را به مردم و انقلابیون ما نشان داد و با گسترش تدارکات جنگی و رجز خوانی مرتجعین منطقه بدستور و این بزرگ وزیر دفاع آمریکا که به عربستان سعودی و عمان و اردن سفر کرده بود، با تقویت نظامی صدام از طریق سرانیز کردن سبیل اسلحه به کشورهای مرتجع عربی، ساختمان چندین پایگاه زمینی و هوایی آمریکایی در عربستان، و بالاخره با اتحاد شش کشور عربی خلیج فارس علیه جمهوری اسلامی ایران، مرحله جدیدی از تدارکات نظامی مستقیم علیه انقلاب ایران را آغاز کرد، بطوریکه فرمانسده سپاه پاسداران طی مصاحبه ای با مجله " پیام انقلاب " با اشاره به این جنب و جوشهای تحریک آمیز، گفت:

" سال آینده با احتمال زیاد ممکن است سل بسیج تمام عوامل آمریکا در منطقه بر علیه ما باشد. سالی است که آمریکا با آخرین تلاشهای سعی دارد با ما به مبارزه برخیزد. سال آینده ما درگیریهائی را در سطح منطقه و در سطح بین المللی از طریق عوامل مزدور آمریکا خواهیم داشت."

در کنار این تحریکات، در اسفند ماه ۱۳۶۰ اعلام شد که آمریکا تصمیم گرفته است ۱۲۰ تانک و ده ها هلیکوپتر جنگی مجهز به راکت های هوا- زمین پاکستان بدهد که جدا از معامله چند

توده ایران، در ۲ خرداد ۱۳۶۱ گرایش را بدرستی تشخیص داد: " (پدید های) در جمهوری اسلامی، در بین بخشی از دولتمردان، مدت ها است که دیده می شود ۰۰۰۰ اینطور استدلال می کنند که: اگر ما شجروی ستیزی و کمونیسم ستیزی آشکارا شدت پیدا کنیم، فشار آمریکا و غرب به جمهوری کم خواهند وی ادامه داد: " این شیوه ها، دوران های طولانی بکار بسته شده اند، نه فقط در کشور ما، بلکه در کشورهای دیگر نیز، ولی تاریخ ثابت کرده است که نتیجه آنها همیشه منفی بوده، نتیجه مثبت."

منسی کردن آمریکا

حلقه اصلی توطئه های ضد انقلاب، در سال چهارم انقلاب هم، منسی کردن آمریکای جنایتکار دشمن اصلی خلق های ایران و جهان بود. همینکه سقوط بنی صدر خائن حتمی شد، در اجتماعات شعار " مرگ پرشوری " بدنبال بقیه در صفحه ۵

تعدادی از خبر بن صبا الحق و ریثان بود در ترکیه ضد انقلابیون و ساواکیها و سلطنت طلبان فراری فعالیت های خود را گسترش دادند و واحدهای ارتشی تشکیل دادند. در عین حال رژیم نظامی حاکم بر ترکیه با برقراری تماسهایی با دولت جمهوری اسلامی ایران، جزئی دیگر از توطئه آمریکایی علیه انقلاب ایران را عهده دار گشت و مقامات این رژیم در مذاکرات با مقامات ایرانی کوشیدند القا کنند که دشمن اصلی همان شوروی است (۱) تا ایران را در برابر نقشه های دشمن خواب نهند و نقشه برزیسکی مبنی بر تیره کردن روابط ایران و اتحاد شوروی را در نیسان نمایند. در عین حال آمریکا کوشید و می کوشد که با نشان دادن چهره های سازشکارانه (که فریب و حمله های پیش نیست، چرا که آمریکا ایران را می خواهد، آنها هم با حاکمیتی نظیر عربستان و پاکستان) و اعتماد سازد که با گسترش موج ضد کمونیستی در ایران، حاضر بنوعی سازش است و متاسفانه باید گفت که بخشی از دولتمردان جمهوری اسلامی ایران در این دام افتاد هاند. نورالدین کبائیری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب

اتحاد - تنه راه پيروزی در نبرد سرنوشتی انقلاب!

بقیه از صفحه ۱

— کرایان مخالف خط امام گرفته تا لیبرالها و ساوا — کیها و حجتیهها و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و عناصر نفوذی دشمن و ۰۰۰ در آن جبهه هستند، بی کمترین برد مپوشی، قصد باز گرداندن رژیم شاه را دارد، البته بدون شاه و در لباس ظاهری اسلام.

گرایش دوم که شامل نیروهای راستین خط امام، همه نیروهای خلق، یعنی توده های رحمت کشور کارگر و دهقان، زحمتکشان شهری، روشنفکران انقلابی، مسلمانان رزمده و پیروان صدیق سوسیالیسم می شود، خواهان ایرانی مستقل و آزاد است که کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی را ریشه کن کند و در راه منافع توده های عظیم خلق گام بردارد.

از ویژگیهای برجسته چهارمین سال انقلاب،

نبرد این دو گرایش و تشدید بی سابقه آن بود. این نبرد که بعد از سقوط و فرار بنی صدر رخاين وارد مرحله جدیدی شده بود، در تب و تاب روز ها و رویداد ها پیوسته خاد تر و دشوار تر شد.

رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، درباره این نبرد گفت: "نبرد دو گرایش در مسائل اقتصادی و در تمام مسائل مربوط به عدالت اجتماعی، یکی از ویژگی های بسیار با اهمیت کنونی کشور ما است. ۱۰۰۰ این نبرد با تمام شدت از دو طرف، البته از طرف سرتا داران با شدت و جسارت بیشتر و از طرف نیروها مدافع خط مردمی امام با ستمز بیشتر — ادامه دارد. این نبرد، همانطور که بارها گفته ایسم، عبارتست از مبارزه بین دو گرایش: یک گرایش

دفاع از ادامه و گسترش فاشیستی سرمایه داران بخش خصوصی است. گرایش دیگر، دفاع از محد و کربک غارت سرمایه داری و در جهت تعدیل ثروت است." (پرسش و پاسخ - ۲ مه ماه ۱۳۶۱)

رشد نبرد بین دو گرایش و افزایش شدت آن در آخرین ماههای سال گذشته به حدی رسید که به محتوای اساسی روند انقلابی کشور ماد مرحله کنونی تبدیل شد. دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، ارزیابی حزب توده ایران را در این زمینه چنین اعلام داشت:

"یکی از نبردهای اساسی که الان بین پیروان خط مردمی امام خمینی با هواداران فاشیستی بی بند و بار سرمایه داری جریان دارد، همین است. همه برخورد های اقتصادی که الان در جامعه با دیده میشود، در چارچوب مشخص نبرد طبقاتی، یعنی نبرد بین طبقات محروم و غارت شده و طبقات ثروتمند و غارت کننده است. این محتوای اساسی روند انقلابی در مرحله کنونی جامعه ما است."

(پستی - پاسخ - ۱۵ آبان ۱۳۶۱)

در آستانه پنجمین سال انقلاب، این نبرد در تمام زمینه ها با شدت فزاینده ادامه دارد.

گرایش اول، در زمینه عدالت اجتماعی، همه شعارها، خواستهها و وعده های انقلاب را زیر پا میگذارد و خواهان بازگشت به گذشته است.

گرایش دوم، خواستار محدود کردن دامنه غارت سرمایه داری و اجرای شعارهای انقلاب در زمینه عدالت اجتماعی است.

گرایش اول، خواستار توقف مبارزه با امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، کشودن راه دوستی مجدد با آن و دشمنی یا آرد نگاه انقلاب جهانی است.

گرایش دوم همچنان بر موضع ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی ایستاده است.

گرایش اول خواهان از میان بردن آزادیها، دیکتاتیک، تشکل های زحمتکشان و پایمال کردن حقوق فردی و اجتماعی زحمتکشان و سرکوب همه تفکرات مترقی امم از مسلمان و مارکسیست است.

گرایش دوم میکوشد که در چارچوب قانون اساسی حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی را تأمین کند.

سایه این نبرد، که در سه زمینه اصلی بالا ادامه دارد، بناچار بر همه زمینه های اصلی و فرعی زندگی اجتماعی می افتد. بدینسان نبرد در همه سطوح، از استخدام فلان کارمند گرفته تا مصاد زهد فلان کارخانه و انتخاب دوستان در سطح جهانی، دیده میشود. نبردی دامنه دار و شتابنده. نبردی که همه نیروها را به میدان خوانده است. این نبرد سرنوشتی است.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایرانی، که با تمام نیروی خود برای پیروزی گرایش دوم میکوشد، بر آستانه انقلاب قادر خواهد بود که در این نبرد سرنوشتی پیروز شود. انقلاب خواهد توانست از این دو راهی خطرناک بگذرد و دشمن را با همه نیرو و تدارک در هم بشکند. تنها بیک شرط: نیروهای انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مذهبی، زیر رهبری امام خمینی، برای رسیدن به اهداف اعلام شده انقلاب که در قانون اساسی هم آمده است، متحد شوند و با استفاده از نیروی عظیم خلق که آماده جانفشانی است، دشمن را در هم بشکند. این یگانه شرط پیروزی انقلاب در نبرد سرنوشتی آن است.

چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی

و خلقی مردم میهن ما خجسته باد!

بقیه از صفحه ۱

آمریکا ۰۰۰ همانقدر غرور انگیز و شاد است که وارد آوردن ضربات جدی به طبقات استثمارگر و مصادره ثروت غارت شده توسط هزار فاضل و اموان و انصارشان، طلی کردن بیشتر از ۷۰ درصد صنایع متعلق به خائنین پهلوی و چپاولگران دیگر، مجازات شایسته سردمداران رژیم پهلوی و جنایتکاران ساواکی و خائنین دیگر و همچنین سقوط دولت موقت و شکست لیبرالها.

نفوذ خائنین و چهره عوض کرده به درون نهاد ها و ارگانهای دولتی و انقلابی از قماش امیر انتظامها، کشمیری ها، ننهها، مقدم مراغهای ها، بنی صدرها، شریعتی داریها و قطبیزادها مهدویها و کلاهها همانقدر دردناک و متاثر کننده است، که تداوم وجود بقایای این عناصر خائن در نهاد های جمهوری اسلامی.

شناخت نسبی و نزدیکی به بخشی از دوستان خارجی انقلاب، همانند کشورهای جبهه پایداری و کشورهای آزاد شده دیگر مانند کره دیکراتیک، لویا و نیکاراگوئه همانقدر امیدوار کننده است که گرفتار شدن در دام برزیل و استقلال را به مفهوم ستیز با دگراندیشان داخلی و خارجی جانیدار انقلاب دانستن، هشدار دهنده و نگران کننده.

جانفشانی های ایثارگرا نه خلق در جبهه جنگ و در جبهه کارخانه و مزرعه، دفع تجاوز و آزاد سازی سرزمین میهن انقلابی غرور انگیز و شاد آور است.

اما تخفیر شعارهای اولیه انقلاب یعنی آزادی - استقلال - عدالت اجتماعی به شعارهای نامفهوم و دست نیافتنی میتواند سخت سرنوشتناز باشد و انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ما را به ناکامی بکشاند.

امپریالیسم آمریکا با تدارک وسیع نظامی در منطقه ایجاد "مرکز فرماندهی سیاسی - نظامی" از یک سو و تحمیل یک جنگ طولانی و فرسایشی از طریق عراق به میهن انقلابی ما از سوی دیگر به کمک آن نیروهای ضد انقلابی و راستگرا آمده است، که میکوشند با دامن زدن به جو ضد توده های

و ضد شوروی و ضد کمونیستی از تحولات بنیادی به نفع زحمتکشان و مستضعفان جلوگیری کنند و پایه های متزلزل شده کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی را استوار سازند. راستگرایان بعد انقلاب و امپریالیسم امید وارند با این اقدامات بتوانند انقلاب را از راه اصلی ضد امپریالیستی، مسدود کلان سرمایه داری، ضد فئودالی و مردمی خود منحرف کنند. آنها از این طریق زمینه بازگشت دوران گذشته را به اشغال جدید و "اسلامی" آن هموار میکنند.

در همین حال تدارک نظامی سرکوب انقلاب و جمهوری اسلامی ایران با تمام شدت ادامه دارد، تا اگر راه منخ انقلاب بدست خلق مسدود شد، برنامه تجاوز نظامی پیاده شود.

دشمنان تحمیل انقلاب دامن زدن به جو ضد توده های و ضد شوروی و ضد کمونیستی را وسیله جلوگیری از تصویب قوانین مورد نیاز برای تحولات بنیادی از جمله قانون بازرگانی خارجی و اصلاحات ارضی قرار داده اند. اکنون این نیروها با تهاجم ردیانه به حزب توده ایران و بازداشت رهبران و مسئولین حزبی، از جمله رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران زمینه ایجاد جو خفقان و ترور را برای تصویب قوانین ارتجاعی، از قبیل پیش نویس قانون کار طرفدار سر - مایه داری "صالح"، منخ پیش از پیش قانون اصلاحات ارضی برای حفظ پایه های متزلزل بزرگ مالکی فراهم میکنند.

در آغاز پنجمین سالگرد انقلاب شکوهمند میهن ما بتعام مردم آزادی دوست و استقلال طلب ایران و پیروز کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشانی که بار عظیم پیروزی و تحکیم انقلاب را بدوش کشیده اند و در این راه هزاران قربانی دادند، اعلام خطر میکنیم:

همچون به حزب توده ایران سر آغاز کوشش سازه دشمنان برای محو دستاوردهای مردمی و ضسند امپریالیستی انقلاب است. باید این توطئه را نیز مانند توطئه های قبلی با شکست مواجه ساخت.

دشمنان تحمیل انقلاب دامن زدن به جو ضد توده های و ضد شوروی و ضد کمونیستی را وسیله جلوگیری از تصویب قوانین مورد نیاز برای تحولات بنیادی از جمله قانون بازرگانی خارجی و اصلاحات ارضی قرار داده اند. اکنون این نیروها با تهاجم ردیانه به حزب توده ایران و بازداشت رهبران و مسئولین حزبی، از جمله رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران زمینه ایجاد جو خفقان و ترور را برای تصویب قوانین ارتجاعی، از قبیل پیش نویس قانون کار طرفدار سر - مایه داری "صالح"، منخ پیش از پیش قانون اصلاحات ارضی برای حفظ پایه های متزلزل بزرگ مالکی فراهم میکنند.

در آغاز پنجمین سالگرد انقلاب شکوهمند میهن ما بتعام مردم آزادی دوست و استقلال طلب ایران و پیروز کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشانی که بار عظیم پیروزی و تحکیم انقلاب را بدوش کشیده اند و در این راه هزاران قربانی دادند، اعلام خطر میکنیم:

همچون به حزب توده ایران سر آغاز کوشش سازه دشمنان برای محو دستاوردهای مردمی و ضسند امپریالیستی انقلاب است. باید این توطئه را نیز مانند توطئه های قبلی با شکست مواجه ساخت.

نامه سرگشاده حزب توده ایران به مقلات مسئول جمهوری اسلامی ایران

بفیه از صفحه ۷

حادثه خو و منحرف و یا خرابکار ، آگاهانه و یا ناآگاهانه ، خراب کرده و به سنگلاخ غیر قابل عبوری مبدل ساخته ، و با این عمل خود بزرگترین خدمت را به پیشرفت سیاست نفاق افکنی امپریالیسم و ضدانقلاب کرده بودند .

حزب توده ایران در این دوران تمام توان و نیروی خود را در جهت تثبیت و تحکیم و گسترش دست آوردهای گرانمای انقلاب شکوهمندمان به کار انداخت و هیچگونه توهین ، افترا ، اتهام ، کارشکنی ، مزاحمت و دشمنی آشکار نتوانست ما را از راهی که در پیش گرفته ایم و بدان صادقانه منتقد هستیم ، بازدارد و به کمترین درجهای منحرف سازد .

درست به همین علت حزب توده ایران از همان آغاز مورد کین نوزانهترین و آشتی ناپذیرترین خصومت همه دشمنان انقلاب ، از امپریالیسم آمریکا گرفته تا گردانندگان گروهها و گروهکهای حادثه خو و واژگان چپ نما و چپرو قرار گرفت . درست به همین علت مسئله ناتوان ساختن و درهم شکستن و نابودی حزب توده ایران به یکی از عمدهترین رهنمودهای امپریالیسم آمریکانه دستیاران خود و به یکی از عمدهترین مواد برنامه عمل روزانه همه دارو دسته های ضد انقلابی ساواکی - سلطنت طلب ، لیبرال ، توطئه گر و چپرو مبدل گردید .

تبلیغات و اقدامات گروههایی مانند حزب خلق مسلمان و جناح آمریکایی - ارتجاعی حجتیه (از جمله پخش نشریه غیر قانونی "احزاب" در روزهای نماز جمعه) و اظهارات افراد جنایتکاری مانند سرگرد رکنی ، مهنز مفرکودتای نوزده ، تهرانی جلاد دشمن ساواک ، احمدی روحانی از رهبران گروهک آمریکایی پیگار در مصاحبه های تلویزیونی و اظهارات کین نوزانه خائسینی مانند بنی صدر و قطب زاده و رجوی و سلاصیان و سایر بازماندگان و هم پالکی هایشان ، همه نشانه های بارز این کینه دشمنان انقلاب ایران نسبت به حزب توده ایران اند .

ما تردید نداریم که نابود کردن حزب توده ایران یکی از عمدهترین و مبرمترین هدف های کودتای قطب زاده و همدستانش بوده است .

برادران ارجمند!

نما خوب می دانید که این کینه آشتی ناپذیر و عطش تکمیل ناپذیر به خون تودمهای ها تنها و تنها به این علت است که حزب ما بر پایه تجربه و شناخت سیاسی - اجتماعی خود ، نقش بسیار موثری در افشای توطئه های رنگارنگ جنبه متحد ضدانقلاب ، در شناختن چهره های کرپه ماسک دار عناصر خود فروخته ، که خود را در صفوف بالایی نیروهای انقلاب جا زده بودند ، ایفا کرده است . این کینه برای آنست که حزب توده ایران بدون تزلزل و تردید از آماج های صدامپریالیسمی ، صدامستبدادی و مردمی انقلاب ، که زیر رهبری برداریت شخصیت بزرگ مذهبی ، ملی و سیاسی میهن ما امام خمینی به پیروزی رسید ، دفاع کرد و در این راه از هیچ تلاشی تا حد ایثار جان فروگذار نشد . ایفاد این کینه به آن اندازه است که قطب زاده ، مامور مزدور سازمان "سپا" ، چندماه پیش از آن که آخرین مرحله توطئه براندازیش آغاز شود ، به همدستانش رهنمود داده بود که برای برانداختن حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی ایران ، باید اول حزب توده ایران را از سر راه برداشت . ما اطمینان داریم که رسیدگی همه جانبه به اسناد لایه حاسوسی آمریکا و اعترافات همه توطئه گران و از آن جمله گردانندگان توطئه اخیر ، این ادعای ما را بدون خدشه تأیید خواهد کرد .

کوتاه سخن! خواه دولت مردان کشور ما بیدیرند و یا به عللی از پذیرش آن سر باز زنند ، این یک واقعیت تاریخی در انقلاب شکوهمند میهن ماست ، که سرسخت ترین دشمنان درونی و جهانی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ، نسبت به حزب توده ایران همان قدر کین و نفرت می ورزند ، که نسبت به پیروان راستین خط امام خمینی ، و نابودی این دو جریان سیاسی بدون تردید اولین آماج همه توطئه های آنان است . بی جهت نیست که تمام تبلیغات جهانی امپریالیسم و ضدانقلاب هر روز و هر شب می گوشت این طور القاء کند که گویا موثرترین دولت مردان جمهوری اسلامی ایران و پیروان راستین خط امام خمینی همه از اعضا حزب توده ایران هستند!

برادران ارجمند!

به نظر ما ، در سایه همین واقعیت است که باید عملکرد آن نیروهایی را در جامعه ایران مورد بررسی و موشکافانه فرار داد ، که پایه های شکست هایی که انقلاب ایران به جنبه متحد ضدانقلاب وارد می سازد ، کینه و دشمنی نسبت به حزب توده ایران و کشورهای سوسیالیستی پشتیبان انقلاب ایران را افزایش می دهند و هر روز دیوانه وارتر دامن می زنند . این نیروها می گویند ، تا با به کار انداختن همه امکانات خویش ، از تجهیز اوپاش و ولگردان گرفته ، تا پیونده سازی به کمک عواملی مانند کشمیری ها ، که در نهادهای انقلابی خازنه اند ، از یک سو افراد حزب توده ایران را مرعوب کنند و از این راه فعالیت علمی حزب ما را در جامعه غیر ممکن سازند ، و از سوی دیگر فعالین حزب را به عنوان گوناگون ساختگی به زندان بیدارند و با جوسازی ، نهادهای انقلابی را آن قدر زیر فشار بگذارند ، تا به طور رسمی از فعالیت حزب توده ایران جلوگیری نمایند .

واقعیت امروز جامعه ما چنین است که ، علیرغم رهنمودهای صریح و بدون خدشه امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گزار جمهوری اسلامی ایران درباره فعالیت آزاد احزاب سیاسی غیر محارب ، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم به طور روشن بازتاب یافته و مورد تأیید قاطبه مردم انقلابی میهن ما نیز قرار گرفته است ، علی رغم اعلامیه ۱۰ ماده ای دادستانی کل انقلاب اسلامی ، که پس از انتشارش در فروردین ۱۳۵۹ ، بارها و بارها مورد تأیید مجدد همه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است ، عملاً همه امکانات فعالیت سیاسی از حزب توده ایران گرفته شده است و عده زیادی از افراد و هوادارانش تنها به اتهام هواداری از راه و روش و موضع گیری سیاسی حزب ما به زندان افکنده شد . و این همه در حالی است که در دوران سه ساله پس از پیروزی انقلاب ،

نلمه سرکشاده حزب توده ایران به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران

برادران ارجمند!

بدون تردید شما کاملا اطلاع دارید که نه تنها در مطبوعات و رسانه های گروهی وابسته به ضدانقلاب و گروه های آمریکا ساخته و آمربکارده و ماحراجو ، بلکه متأسفانه در مطبوعات و رسانه های گروهی وابسته به حاکمیت جمهوری اسلامی نیز طی ۳ سال گذشته ، از وارد آوردن هیچ گونه توهین و افترا و اتهامی نسبت به حزب توده ایران و مسئولین آن "کوتاهی" نشده است ، بدون این که حتی یکبار هم به یکی از شکایات متعدد ما نسبت به این اتهامات ناروا ، در یکی از مراجع قانونی رسیدگی به عمل آید . این جریان در ماه های اخیر ، درست به موازات این واقعیت که رویدادها ، ارزیابی ها و پیش بینی های حزب ما را هر روز بیشتر مورد تائید قرار می دهند ، شدت بی سابقه ای یافته است ؟

ما را متهم می کنند که مستقل نیستیم و به "کشورهای خارجی وابسته" ایم!

ما را متهم می کنند که هزینه هایمان از منابع "مشکوک" و به احتمال با کمک منابع "خارجی" تامین می شود!

ما را متهم می کنند که در پشتیبانی از صحت گیری ضد امپریالیستی و مردمی خط امام خمینی صادق نیستیم و این سیاست را "فرصت طلبانه" برای هدف های "توطئه گرانه" برگزیده ایم!

ما بارها و بارها ، چه کتبا و چه شفاهاً ، از مقامات مسئول کشور خواسته ایم که به این اتهامات و افتراها رسیدگی به عمل آید ، چرا رسیدگی نمی شود؟ آیا به این علت نیست که تنها دلایلی که علیه حزب ما وجود دارد ، همان سرخانیست که ساواک و گروهک های ساواک زده ، مانند جبهه ملی ، علیه حزب ما سرهم بندی کرده اند؟ یا بحیرت - انگیز و اسفناک نیست که شریات وابسته به نهادهای افغلاسی پیرو خط امام خمینی ، از پرونده سازی های ساواک برای اجتناب از درگیری با حزب توده ، ایران بهره گیری کنند؟ آیا نظیر این پرونده های ساختگی ساواکی برای بسیاری از دولت مردان سیاسی جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد؟

برادران ارجمند!

این اتهامات ، غیر از برخی اشتباهات صادقانه در گذشته ، که حزب ما پیش از همه خود آن ها را پذیرفته است ،

هر دروغ جبری نیست ، این اتهامات حرم ما نیست.

حرم ما اینست که از دیرباز راه انقلاب ایران را به درستی تشخیص داده ایم .

حرم ما اینست که دوستان و دشمنان انقلاب ایران را ، چه در درون میهن و چه در صحنه جهانی به درستی

شناخته ایم و با روشنی و پیگیری بر مواضعی که همان اصول و اهداف ما هستند ، ایستاده ایم .

حرم ما اینست که ماهیت لیبرال ها ، امپریالیست ها ، سوسیال های ، فکب زاده ها ، بارزگان ها ، یزدی ها ، صاعیان ها ،

و سخی ها و سنجایی ها را به عنوان امید و تکیه گاه امپریالیسم آمریکا ، به موقع افشا کرده ایم .

حرم ما اینست که از سال ۱۳۵۳ ، بدون هزاران عواقب آن برای خودمان ، شریعتمداری ها را به عنوان نیروی

مبارزه ای به مردم ایران معرفی کرده و از روحانیت و مسلمانان مبارز پیرو خط امام خمینی پشتیبانی کرده ایم .

حرم ما اینست که سرچشمه اساسی همه جریانات خائنانه و ضد افغلاسی را ، که همان نظام غارتگر کلان سرمایه -

داری و بزرگ مالکی وابسته به امپریالیسم است ، شناخته ایم و ماهیت خونخوارش را عریان ساخته ایم .

این هاست "حرم های سنگین و گذشتناپذیر" ما! این هاست علت اساسی عطش تسلی ناپذیر دشمنان حزب ما

به خون توده های ما! این هاست علت اساسی تلاش جنون آمیزی که در ماه های اخیر برای پرونده سازی علیه حزب ما به

راه مانده و هر روز ابعاد گسترده تری به خود می گرداند.

مقامات مسئولی در نهادهای جمهوری اسلامی ایران می کوشند تا با جمع آوری و به هم پیوند دادن ساختگی برخی

اقدامات و اظهارات کودکان و گاهی اشخاصی از ضعف برخی از هواداران و احتمالاً برخی از افراد حزب ما برای مجموعه

حزب ، پرونده عدم احترام به قوانین جمهوری اسلامی ایران و یا حتی پرونده های دیگر سرهم بندی کنند .

ما به وسیله این سند تاریخی رسماً اعلام می داریم که معرف حزب توده ایران تنها و تنها عملگر تمام حزب ماست .

موضع گیری و حتی عملگر نادرست این یا آن فرد هوادار و یا حتی فرد حزبی ، معرف ماهیت و سیاست و عملگر حزب

نیست و نمی تواند باشد .

آیا می شود عملگر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را با عملگر شریعتمداری و روحانی و منافقی و نظایر آن ها سنجید ؟

که حتی در عالی ترین مقام ها ، مانند شورای انقلاب ، عضویت داشته اند ، ارزیابی کرد؟

آیا می شود ماهیت مجموعه روحانیت را با عملگر شریعتمداری و روحانی و منافقی و نظایر آن ها سنجید ؟

در هفته های اخیر از چهار سو حیرتی رسد که به زودی "توده کشی" آغاز خواهد شد . و برای این منظور نیروهای

مذهبی تلاش می کنند تا با پرونده سازی ردیفانه سیاست حزب ما را مورد سؤال قرار دهند و این طور القا کنند که

حزب ما در جهت مخفی ساختن سازمان های خود و تدارک مبارزه ، مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران کام

رپی وارد . این ردیفانه ترین افترا بی است که دشمنان انقلاب ایران به حزب ما وارد ساخته اند ، حزبی که تمام

سیاست و فعالیتش در جهت مخالف یک چنین افترا بی بوده و هست ، و بدون تردید تا هنگامی که خط امام خمینی ،

خط حرکت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باشد ، خواهد بود .

ما با روشنی و قاطعیت اعلام می داریم که :

حزب توده ایران نه تنها در صدد تدارک مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران نیست و نمی تواند باشد ،

بلکه با تمام نیروی خود علیه گروه ها و گروهک های عمل کرده و می کند ، که خواه آگاهانه ، در چارچوب سازش یا

یک سال دیگر نبرد با ضد انقلاب

ایران و بویژه دیوارها و خیابانهای تهران، در کنار شعارهای "مرگ بر تودهای"، "مرگ بر فدائی"، "مرگ بر شوری" یا شعار "مرگ بر بی حجاب" - بوده شانه شده. شعار "مرگ بر بی حجاب"، که همراه آن تعداد زیادی دشنام بصورت شعار، خطاب به زنان و مردان نوشته میشد، از آغاز سال پیوسته اوج بیشتری گرفت. کار به جایی رسید که پوشیدن پیراهن آستین کوتاه توسط مردان هم "گناه" و نشانه بی غیرتی "خوانده شد". تنها وقتی در روز ۷ خرداد ۱۳۶۱ اجتناب از اسلام هاشمی رفسنجانی، در خطبه‌های نماز جمعه، این توطئه را افشا کرد، این موج در هم شکست.

جنگ فرسایشی

سال گذشته، سال پیروزی‌های درخشان رزمندگان دلاور ایران در جبهه‌های نبرد با متجاوزان صدامی، برای آزاد کردن زمین‌های اشغال شده میهن ما بود. اما همینکه طلیعه پیروزی‌های ایران در جبهه‌ها آشکار شد، شکست متجاوزان آشکار گردید، امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، توطئه جدیدی را برای استفاده بیشتر از جنگ تحمیلی سازمان داد. رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده، ایران، نظر حزبی توده، ایران را درباره این توطئه چنین اعلام کرد: "به نظر ما، در مرحله کنونی آمریکا با تمام قوا مخالف پایان یافتن جنگ است و با تمام قوا برای تذارت در جهت توسعه دادن آتش جنگ در مجموعه منطقه تلاش می‌کند. ۱۰۰۰ امپریالیسم آمریکا با تمام قوا کوشش می‌کند که این آتش را همین طور شعله ور نگه دارد. ۱۰۰۰ به نظر ما، این جنگ بسود امپریالیسم است و در آینده هم بسود امپریالیسم است، و به همین جهت امپریالیسم نقشه‌های گوناگونی برای توسعه این جنگ در پیش دارد." ("پرسش و پاسخ" - ۱۵ خرداد ۱۳۶۱ او:)

"نقشه امپریالیسم این است که در صورت ورود ارتش ایران به خاک عراق، با دادن همه کمک‌ها و امکانات به عراق، متحد پشتیبانی از راه حملات گسترده هوایی به مراکز اقتصادی کشورها یک جنگ فرسایشی طولانی را به ما تحمیل نماید." ("پرسش و پاسخ" - ۱۲ تیر ۱۳۶۱)

اکنون، در آستانه سال پنجم انقلاب، این توطئه امپریالیستی با تمام نیرو و در تمام جهات اجرا می‌شود.

کودتا، بمب‌گذاری، ترور

امپریالیسم آمریکا، در سال گذشته، با تشکیل گروه نظامی - سیاسی و یک گروه سیاسی، شانس خود را برای انجام یک کودتای نظامی در ایران آزمود و همه این گروه‌ها که با سیار رابطه

داشتند و معروفترین آنها یاند، قطب زاده بود، دستگیر و برخی از رهبران آن از جمله قطب زاده اعدام شدند. کارگزاران امپریالیسم از تحریر بمب‌گذاری و ترور هم دست برنداشتند. انفجار مهیب در میدان عشرت آباد تهران، بمباران خیابان خیام و ناصر خسرو و از جمله جنایات بمب‌گذاران آمریکایی فرستاده بود.

ضد انقلابیون همچنین به ترور حجت الاسلام احمد خمینی، فرزند امام، اقدام کردند، که این توطئه خنثی شد. این جنایتکاران، حجت الاسلام احسان بخش امام جمعه رشت را بشدت مجروح کردند. و آیت الله صدوقی، امام جمعه یزد و آیت الله اشرفی اصفهانی، امام جمعه باختران را به شهادت رساندند.

لیبرال‌ها به میدان آمدند

اواسط شهریور ماه ۶۱ لیبرال‌های "نهضت آزادی"، بار دیگر با بخش نامه‌های سرگشاده علیه خط امام خمینی به میدان آمدند. نامه‌های سرگشاده "نهضت آزادی" حمله وسیعی بود علیه تمامی اهداف و دستاوردهای انقلاب. رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده، ایران، در جلسه پرسش و پاسخ ۱۷ مهر ۱۳۶۱ درباره توطئه جدید ضد لیبرال‌ها، از جمله گفت: "به عقده ما، فعال شدن "نهضت آزادی" در ارتباط مستقیم با توطئه نهم آمریکا یعنی تشدید همه جانبه جریانهای ناراضی - تراضی بوسیله ستون پنجم و بهره‌گیری سیاسی از این جریان‌های تراضی تضعیف خط امام در حاکمیت است. این نقشه آمریکا است. اینها حالا دیده‌اند که با تشدید بعضی ناراضی‌ها در مردم، در نتیجه دشواری‌های ناشی از جنگ و محاصره اقتصادی و در ضمن ناشی از اشتباهات و کمبودهای کار حاکمیت، ظاهراً آب گل آلودی هست و می‌شود از آن ماهی گرفت، لذا شروع کردند به فعالیت مجدد."

لیبرال‌ها در آغاز سال پنجم انقلاب همچنان با استفاده از کرسی‌هایی که در مجلس دارند خط آمریکا را اجرا می‌کنند، هر لایحه بسود مستضعفین که مطرح می‌شود، همراه با راستگرایان "اسلام پناه" رای منفی می‌دهند.

نبرد بر سر انجام تحولات بنیادین و احقاق حقوق زحمتکشان

سال چهارم انقلاب سال تیردی سخت میان طرفداران دو "اسلام" بر سر اجرا یا عدم اجرای تدابیر بنیادین نظیر اصلاحات ارضی و دولتی کردن بازرگانی خارجی بود. تصویب قوانین بنیادین نظیر اصلاحات ارضی و دولتی کردن بازرگانی خارجی از همان آغاز با مقاومت جدی توده خطرناکی از عناصر مخالف انقلاب در درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران روبرو شد

که نام‌های مذهبی و فکری برخورد نهاد مانند و کمزور هم‌تبر جلوگیری از اقدامات بنیادین بسود زحمتکشان بستند. درباره این گروه حجت الاسلام موسوی خوئینی‌ها در فروردین ۱۳۶۱ گفت:

"پس از شکست دو جریان لیبرالیسم غربی و منافقین، جریان سوم که همان طبقه مرفه و میان‌بازار ثروتهای کلان و نامشروع هستند (بنسبه میدان آمد) اینها بجان ارگانهای تصمیم‌گیری و بویژه مجلس شورای اسلامی افتاده و در برابر هر تصمیمی که جهت منافع محرومین و طبقه مرفه گرفته می‌شود، اعتراض کرده و می‌گویند مجلس داری تصویب قوانین سوسیالیسم پسند است. باید این جریان را همانند دو جریان دیگر در هم بشکنند."

درباره توده و ستیزی و شانناز ضد کمونیستی، این حریره مهم راستگرایان در جلوگیری از توطئه لویح بنیادی، حجت الاسلام کروی در مجلس گفت:

"آمریکا طبق عادت همیشگی اش در تلاش است هر انقلابی را برجسب مارکسیستی بزند یا بگوید مثلا کمونیستها و تودهایها در انقلاب نفوذ کرده‌اند. آمریکا این موضعگیری را بنا بر ماهیت کثیف و پلید شدن همه دنیا داشته است. این رویارویی خطاها در زمینه مبارزه علیه این نظیر اصلاحات ارضی و بازرگانی خارجی، در طول سال چهارم انقلاب به صف بندی نیروها در درون و بیرون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران انجامید. مبارزه حیاتی بر سر این قوانین سر نوشت ساز به حساب گریه انقلاب بدل شد. در این مبارزه حزب توده، ایران و سازمان قدانیان خلق ایران (اکثریت) نقش فعال و موثر داشتند."

تحول برآست در حزب جمهوری اسلامی

در جریان رویارویی گرایشهای متضاد در درون و بیرون و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، صف بندی نیروها در سال چهارم انقلاب با سرعت هر چه تمامتر جریان یافت و در یک سو جریان راست با افکار سرمایه داری و بزرگ مالکی و در سمت دیگر مبارزان راستین پیرو خط امام خمینی قرار گرفتند. این روند نیروهای مختلف را با موقعیتی مواجه کرد که از آنسوی موضعگیری صریح به نفع این یا آن گرایش را می‌طلبید.

در ۲۰ شهریور ۱۳۶۱ نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده، ایران، درباره حزب جمهوری اسلامی گفت: "بعد از شهادت دکتر بهشتی و دکتر باهنر، ما شاهد آن هستیم که بخش عدالت اجتماعی در صفحات روزنامه جمهوری اسلامی، به طور محسوس هر روز رنگ پریده تر می‌شود. دوستانی که با برخی از دوستان حزب جمهوری اسلامی تماس دارند، می‌گویند که موضعگیری دفاع از سرمایه داری در حزب جمهوری اسلامی هر روز مشخص تر و بارزتر می‌شود. البته این گفته‌ها را نمی‌توان سند گرفت. ولی تفسیر دفتر سیاسی بقیه در صفحه ۱۴

یک سال دیگر نبرد با ضد انقلاب

بقیه از صفحه ۱۲

حزب جمهوری اسلامی ... نشان دهند و وجود و بروز این پدیده است. دیده می شود که حزب جمهوری اسلامی آشکارا وجود طبقات را یکی نمی کند.

وی پس از اشاره باینکه " نفی طبقات " در مورد احزاب خورده بورژوازی قانونمند است ، ادامه داد :

" ما امروز کسانی از وابستگان به حزب جمهوری اسلامی را می بینیم که خیلی صریح و با اصرار در این جهت هستند که نه تنها سرمایه داری یا بخش خصوصی را نگاه دارند، بلکه جداً تقویت کنند و به آن امکانات وسیعی بدهند. مسأله این گرایش را در بعضی از تصمیمات دولتی ، که بصورت کلی دولت حزب جمهوری اسلامی است ، و همچنین در عملکرد بعضی از وزرای که در سطح رهبری حزب جمهوری اسلامی هستند ، دیده ایم و می بینیم ."

رفیق کیانوری سپس با مقایسه مواضع کنونی حزب جمهوری اسلامی و روزنامه ارگان آنها با مواضع اعلام شده توسط بنیانگذاران این حزب ، بخصوص شهید بهبهانی و یابهر ، نتیجه گرفت : " حزب جمهوری اسلامی ، در مجموع خود ، در جریان یک تحول به سمت راست است. حال آنکه این واقعه یک تحول بنیادی به سمت راست است ، یا در این میانه تغییراتی پیدا خواهد شد ، که جلوی این تحول را بگیرد و به عقب برگرداند ، این را تاریخ آینده نشان خواهد داد . مسلم این است که بین جناح مردمی حزب جمهوری اسلامی و جناح طرفدار سرمایه داری آن ، این بحث و اختلاف در آینده جدی خواهد شد ."

اصلاحات ارضی

لایحه " احیا و واگذاری اراضی مزروعی " که از اوایل سال ۶۱ در " کمیسیون ویژه " تحت بررسی قرار گرفت ، بالاخره در آذرماه امسال برای بررسی و تصویب تقدیم مجلس شد. راستگرایان مدافع بزرگ مالکی در جریان کار " کمیسیون ویژه " کوشیدند لایحه را به " شریبی یال و دم اشکم " تبدیل کنند و با حذف مواد اساسی و اضافه کردن تبصره های مختلف به لایحه ، برندگی آن علیه بزرگ مالکی را از بین ببرند . در کمیسیون ویژه نمایندگان خط امامی امتیازاتسی به مخالفین دادند ، که لایحه را از نواض جدی برخوردار کرد (مثلا تبصره ای که به ماده ۱۶ افزوده شد) ، اما لایحه تقدیمی به مجلس با تمام کمبودها در مجموع خود در صورت اجرا بدست مجریان انقلابی ، می توانست زمینه قانونی شکستن کمر بزرگ مالکی را فراهم سازد .

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که از دیرباز ضرورت اجرای اصلاحات ارضی انقلابی و محور بزرگ مالکی را برای انقلاب حیاتی اعلام کرده بودند ، در جریان این نبرد سرنوشت ساز برای تصویب لایحه انقلابی در زمینه واگذاری اراضی ، فعالانسه به دفاع از حقوق دهقانان زحمتکش برخاستند .

تودهای ها و فدائیان خلق (اکثریت) هر جا که بودند ، با بسیج نیروی حیاتی بخش توده مردم و به میدان آوردن آن ، با حمایت از ستون لایحه متعهد و حظامی در نهاد های انقلابی و ارگانهای دولتی ، با نشان دادن خصلت مردمی انقلابی به زحمتکشان روستا ، برای عملی شدن یک تحول بنیادی و انقلابی در روستاهای ایران کوشیدند و بهیمن جهت پیش از پیش آماج حملات و تبلیغات مدافعین بزرگ مالکی و راستگرایان قرار گرفتند .

هنگامی که لایحه واگذاری اراضی در مجلس مطرح شد ، جریان راستگرای مدافع غارتگری بزرگ مالکان " فراکسیون " مخصوص خود را در مجلس بوجود آورد و کارزار سختی علیه لایحه آغاز نمود ، کارزاری که در تصویب هر ماده ، هر تبصره و هر بند در چهره ، بحثها و مجادلات طولانی خود را نشان داد . بخصوص ماده ۶ که هسته اصلی را تشکیل می داد مورد تهاجم " پینسپها های حذف " راستگرایان قرار گرفت ، اما عقبت بسا اکثریتی ضعیف از شوی مجلس تصویب شد . در جریان بررسی لایحه ، مخالفین با انواع و اقسام برجسبها و اعمال شائناژ ضد کمونیستی و ضد تودهای کوشیدند خط امامی ها را از میدان بدر کنند و برسانند ، در مواردی نیز موفق شدند .

پس از اینکه لایحه مورد تصویب مجلس قرار گرفت ، شورای نگهبان که دشمنی خود با لویسج انقلابی بسود زحمتکشان را در مواردی نظیر قانون اراضی شهری و دولتی کردن بازرگانی خارجی نشان داده بود ، لایحه واگذاری اراضی مزروعی را " مغایر با موازین شرع " اعلام کرد و آنرا رد کرد . در حقیقت سوالی را که مجلس با جواب مثبت پاسخ داده بود ، اکثریت شورای نگهبان با پاسخ منفی داد ، و آن اینکه " آیا باید قدرت اقتصادی را از دست بزرگ مالکان گرفت و حقوق زحمتکشان روستا را احقاق کرد یا نه ؟ " بدنیال پیش آمدن این بن بست ، جناح های مختلف کوشیدند هر یک به صریقه خود راه حلی ارائه دهند . گروهی عقب نشینی مجلس و صرف نظر کردن از اجرای شعارهای اصلی انقلاب را چاره دانستند ، اما نیروهای انقلابی راستین از دیر باز تاکید می کردند که این بن بست تنها وقتی می تواند بسود انقلاب از میان برداشته شود که اصلاحات بنیادین و از جمله اصلاحات ارضی قاطعانه و علیرغم مخالفت محافل راستگرا اجرا شود ، چرا که اگر چنین نشود ، انقلاب منسوخ شده و در نهایت شکست خواهد خورد .

دولتی کردن بازرگانی خارجی

در زمینه دولتی کردن تجارت خارجی و از این طریق گرفتن اهرمی بزرگ از دست کلان سرمایه داران و اعمال کنترل دولت انقلابی بر یکی از مهمترین شریانهای اقتصادی کشور ، نیز اکثریت مجلس و اکثریت شورای نگهبان در دو موضع بنیاد قرار گرفتند و در نتیجه کساکش و " خط راست این قانون نیز همچنان نامعین است ."

از آنجا که حزب توده ایران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره ضرورت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دولتی کردن بازرگانی خارجی و نقشی که این اقدام اصولی در تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی و نبل بسه خود کفایی و طرد روحیه مصرف گرایانه غربی و در تأمین مبارزه با گرانی و کمبود کالاها و توزیع عادلانه و اصولا تأمین عدالت اجتماعی و جلوگیری از چپاول کلان سرمایه داران و واسطه ها دارد ، موضع صریح و بی بازگشت خود را از مدتها قبلی اعلام کرده بودند ، هر کوششی برای پیشرفت و استحکام خط خدمت به مستضعفین و خدمت با استقلال سیاسی و اقتصادی کشور بازمه بسه همان شیوه فرسوده برجسب زنی " کمونیستی " و " تودهای " مواجگت و بقول رفیق کیانوری " هر " مرگ بر تودهای " بمعنای " مرگ بسر دولتی کردن بازرگانی خارجی " و " مرگ بسر اصلاحات ارضی " بود .

برخی مخالفان دولتی کردن بازرگانی خارجی در " استدالات " خود در رد این لایحه از این خربه استفاده کردند و کوشیدند و نمود سازند که مخالفت با این قانون ، نه " طرفداری از گروه خاص سرمایه دار و تعالی به خط سرمایه داری " بلکه مخالفت با " کمون " و " سوسیالیسم " است ، چیزی که نظریه م خروسهای فراوانی که از زیر قبای استدالات آنان بیرون زده بسود ، مشکل بتوان تصور کرد که کسی آن را باور کنند علیرغم اینکه ادعاهای طرفداران سرمایه داری و بزرگ مالکی " کمونیستی " است ذرهای بسا واقعیت مطابقت ندارد ، اما صرف همین دشمنی کین تورا نه آنها با پیروان سوسیالیسم علمی نشان داد که پیگیری مدافعان منافع زحمتکشان ، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هستند ، نشان داد که " اشلم بس بزرگ " و " بزرگترین اشلم " تودهای ها و فدائیان خلق (اکثریت) وقاداری بی خدشه آنها به آرمان توده های مردم و پیگیری آنها در مبارزه با بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران است .

قانون کار

در اوایل آذرماه ، مستولان کارگر ستیز وزارت کار ، آقایان توکلی ، معتقد رضایی پیش نویس قانون کار دست پخت خود را مطرح کردند که در هفته های پس از آن ، به موضوع بحثها و مجادلات فراوان بدل شد . پیش از آنکه دولت مردان خط امامی در مقابل این تهاجم گستاخانه مدافعان سرمایه داری به حریم حقوق کارگران عکس العملی از خود نشان دهند ، کارگران خودشان بسا تشکیل جلسات متحد ، جمع آوری طومار ، نوشتن نامه های سرگشاده و اشکال دیگر اعتراض ، مخالفتشان را با پیش نویسی که حتی از قانون کسار طاغوتی هم بدتر است نشان دادند . تشکلهای کارگری به سازماندهی اعتراض وسیع توده های کارگران علیه خط کارگر ستیز وزارت کار پرداختند و همانطور که شهید رجایی خواسته بود ، فریاد کشیدند که نه تنها " چیزی گیرشان نیامده " ، بلکه طرفداران سرمایه داری با لباس " شرع " می خواهند آنها را از ابتدایی ترین حقوقشان



جنگ صلیبی واشنگتن

پسراودا می نویسد:

همه در اتحاد شوروی و لهستان مدخله کنند ، تا نظام موجود در آنها را تغییر دهد . مدت کوتاهی پس از این سخنرانی ، رئیس جمهور آمریکا ستادی برای "جنگ صلیبی" درست کرد که نام آنرا "گروه ویژه بین المللی" گذاشتند گروه برنامه ریزی کلی در سطح وزیران که وزیران جنگ و امور خارجه هم عضو آن هستند ، بموازات این "گروه ویژه بین المللی" عمل میکند . نمونه برجسته دخالت فعال در امور داخلی کشورهای سوسیالیستی ، سازمان دادن کنفرانس پیرامون مشکلات دموکراتیزه کردن در کشورهای کمونیستی " بود که وزارت امور خارجه آمریکا آنرا برگزار کرد . روشن است که صحبت بر سر عملیات دشمنانه علیه کشورهای سوسیالیستی و خرابکاری دراز مدت است که طرح آنرا ارگانهای دولتی آمریکا و از جمله کاخ سفید ریخته اند و هزینه های مالی آنرا هم میپردازند .

"جنگ صلیبی" واشنگتن بعنوان عملیات تخریبی طویل المدت طرح ریزی شده است . در راستارزی کلی خود برای مبارزه با سوسیالیسم تحقق یافته ، واشنگتن چیز نوی را بخند مست گرفته است: "جنگ روانی" مقصود از این "جنگ" متزلزل کردن نظام حکومتی موجود در کشورهای جامعه سوسیالیستی ، از راه خرابکاری سیاسی ، جاسوسی و عملیات تبلیغاتی رنگارنگ خرابکارانه است تا "پشت جنبه دشمن را در مرالیزه کند" "جنگ روانی" بختر جدائی ناپذیری از "جنگ صلیبی" علیه کمونیسم است که رئیس جمهور آمریکا طی سخنرانی خود در لندن در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۸۲ آنرا اعلام کرد: ریگان ابتدا خواهان آن شد که با سوسیالیسم واقعا موجود در زمینه های فکری و تدابیر اجتماعی مسابقه گذاشته شود ، بلکه از جنبه گیری در مقابل آن دفاع کرد و اظهار داشت که غرب "حق دارد" آشکارا در امر داخلی جامعه کشورهای سوسیالیستی و قبل از

جنبش مخالفان ام.ایکس

دادگاه شهر وست برو / ماساچوست ۶ آمریکایی مخالف موشکهای اتمی را به حبس و پهر - داخت جریمه مالی محکوم کرد . این شش تن در اواخر دسامبر ۱۹۸۲ در مقابل یک کارخانه متعلق به کنسرن الکترونیک آمریکایی که ت.ای. علیه تولید موشکهای ام. ایکس اعتراض کردند بودند . یکی از محکومین کشیش یک بخش کاتولیک در بلینگهام است که در ملاعام بر علیه افزایش تسلیحات اتمی اعتراض نموده و بخاطر این عمل به دادگاه احضار شده بود .

در بوجه سال آینده مسیحی که ریگان در هفته گذشته تقدیم کنگره آمریکا کرد ، بالاترین میزان هزینه نظامی در تاریخ کشور ، ۲۸۰/۵ میلیارد دلار در نظر گرفته شده است . چنانکه در مستن بودجه تقدیمی به کنگره آمده ، بدین ترتیب میبایست تمام "جوانب استراتژیک و متعارفی نیروها" مسلح آمریکا مدرنیزه یا تقویت شود . همچنین "دولت باید بدینوسیله در موقعیتی قرار گیرد که بتواند در مناطق بحرانی جهان عکس العمل نظامی از خود نشان دهد" .

در نظر گرفته شده است که با این مبالغ هنگفت تولید و تکامل سلاحهای مدرن هسته ای از انواع مختلف تأمین شود . تنها ۳۰ میلیارد دلار برای پژوهش در رشته تکامل سلاحهای جدید تخصیص داده شده است .

کل بودجه سال ۱۹۸۴ بالغ بر ۸۴۸/۵ میلیارد دلار میشود . مقدار افزوده شده بسر بودجه سال مالی جاری به تسلیحات اختصاص داده شده است . در مقابل آن ۴۰ میلیارد دلار از هزینه های اجتماعی دولت حذف خواهد شد . سالمندان ، کودکان دانش آموز ، خانواده های با کودکان زیاد و گیرندگان کهن های مواد غذایی قربانیان این سیاست خواهند بود . کسری بودجه سال جاری ۱۸۹ میلیارد دلار تخمین زده میشود .

ریگان اعلام کرده است که در نظر دارد مبالغ دیگری نیز برای استقرار موشکهای پرشینگ ۲ در اروپای غربی و پروژه های دیگر ناتو در کنگره طلب کند .

هندوستان

ایندیرا گاندی ، نخست وزیر هند امپریالیسم آمریکا و دیگر کشورهای غربی را متهم ساخت کسه سعی میکنند در میان جنبش غیر متعهد ها تفرقه بیندازند . وی ضمن محکوم ساختن تلاشهای این کشورها برای تضعیف موقعیت هند ، اعلام کرد که سیاست مستقل هند خوشایند آنان نیست و سعی میکنند رشد اقتصادی کشور را ترمز کنند .

تظاهرات بمناسبت روز تولد دکتر مارتین لوتر کینگ

روز شنبه ۱۵ ژانویه ۸۳ تظاهرات با شکوهی بمناسبت روز تولد دکتر مارتین لوتر کینگ با شرکت بیش از سه هزار نفر در شهر اوکلند واقع در شمال کالیفرنیا برگزار شد . در این تظاهرات که تحت شهرهای کار - صلح - برابری صورت گرفت ، طبقات مختلف مردم شرکت داشتند . یکی از خواسته های شرکت کنندگان در تظاهرات مزبور ، تصویب قانونی است که بموجب آن روز تولد دکتر مارتین لوتر کینگ تعطیل رسمی و ملی اعلام گردد . سخنرانان در این تظاهرات ضمن حمله سیاست تسلیحاتی و اقتصادی ریگان ، خواستار تهیه کار برای بیکاران و کاستن از بودجه تسلیحاتی و همچنین خواستار برابری و حفظ صلح شدند . این تظاهرات با شرکت گروههای مترقی منطقه منجمله اعضا و هواداران حزب کمونیست آمریکا ، هواداران شورای جهانی صلح ، هواداران حزب سوسیالیست ایران و هواداران سازمان فدائیان

خلق ایران (اکثریت) برگزار گردید . در قسمتی از اعلامیه ای که به همین مناسبت از طرف سازمان هواداران حزب و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتشار یافت آمده است : " امروز بیش از هر زمان دیگری مبارزه برای حفظ صلح جهانی بر علیه جنگ هسته ای از اهمیت والایی برخوردار است . مردم آمریکا بسا شرکت میلیون خود در تظاهرات روشن گذشته ، تصمیم راسخ خود را برای توقف مسابقه تسلیحاتی و صرف بودجه " تسلیحاتی برای برآوردن نیازهای انسانی و مبارزه علیه جنگ و خرابکاری ، نشان دادند . ما هواداران حزب سوسیالیست ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آمریکا ضمن پشتیبانی از این تظاهرات کهنه بخاطر کار - صلح و برابری انجام میگرد و ضمن پیوستن مردم آمریکا ، خواستار قانونی شدن روز تولد مارتین لوتر کینگ بعنوان روز ملی میباشیم ."

RAHE TUDEH

No. 28

Friday, 11 Feb. 83

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 3p	P.
West-Germany	Belgium 2.2	Fr.
1	Italy 350	L.
France 3	Fr. U.S.A. 40	Cts
Austria 8	Sch. Sweden 2	Skr.



در زنجیره می گذرد؟

بقیه از صفحه ۱۵

در خارج می گردند و برخی نیز به سبیری منتقل میشوند . همزمان با این باید در مورد هواپیماهای حامل بمبهای اتمی که ناتو از برتری نظامی برخوردار است ، یک تعادل در سطح هر چه نازلتر از نظر تعداد سلاحهای اتمی برقرار گردد . اگر این پیشنهاد عملی شود ، تعداد سیستم های حمل سلاحهای اتمی در شرق و غرب به نحو چشمگیری نزول خواهد کرد .